

Logical Fallacies 7

مغالطات منطقی ۷

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (Critical Thinking) و با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه باشیم.

مغالطه ها حقه هایی هستند که کمک می کنند وقتی کسی دلایل موجهی ندارد با این حال در ظاهر در بحث برتری پیدا کند. بخشی از مهارت فکر کردن «شناخت مغالطات» است تا اینکه هم خود از آنها ندانسته استفاده نکنیم و هم اینکه اگر کسی مغالطه کرد متوجه آن شویم. مغالطات را در زیر مجموعه موانع تفکر منطقی و منصفانه جای می دهیم.

مغالطه جایی اتفاق می افتد که کسی بجای آوردن دلیل و برهان، به عناصر دیگری متوسل می شود. مثلا طرف مقابل را «مسخره کند»، «مورد حمله قرار دهد»، «تهدید» کند و بترساند، یا به او بگوید «در گذشته تو هم فلان کار را کردی»، یا سعی کند او را «احساساتی کند»، یا یک «علت جعلی» را مطرح کند و نظایر اینها. استفاده از هر چیزی بجز دلایل قانع کننده. مثلا مغالطه متهم کردن کسی که عملکرد شما را زیر سوال برده است یکی از ترفند های خلاص شدن از این فشار و پاسخگو نبودن در باره عملکرد خود و از حقه بازیهای رایج است. وقتی از پوتین برای جمله به او کراین انتقاد شد، در جواب گفت امریکا هم به عراق حمله کرد.

مغالطه توسل به سنت (Appeal to Tradition Fallacy)

مغالطه توسل به سنت زمانی اتفاق می‌افتد که فرد دلیل اصلی درست بودن یک باور یا نتیجه‌گیری را قدمت داشتن آن، یا هماهنگی با «اعتقاد اکثریت مردم» طی سالها و قرن‌های متمادی بداند. به‌بیانی دیگر زمانی که کسی ادعا کند که به صرف اینکه پیشینیان ما به چیزی باور داشته‌اند و بر اساس این اصول اعتقادی زندگی کرده‌اند پس هیچ شک‌ی در درستی آن نباید داشته باشیم دچار مغالطه توسل به سنت شده است.

آنها با کسانی که اینگونه سنت‌ها را با عقل و استدلال زیر سوال می‌برند به مخالفت بر می‌خیزند و گاهی ممکن است از نام شخصیت‌های تاریخی هم استفاده کنند و بگویند مولانا و ابوعلی سینا با اینگونه احکام مخالفت نکرده‌اند، شما چه می‌گویید؟

اینکه مردمی در طول تاریخ خود باور و عقیده‌ای داشته‌اند دلیلی بر صحت و درستی آن نیست. استفاده از این مغالطه بسیار پر کاربرد است و افراد خیلی زود با این مغالطه قانع می‌شوند چون برایشان قانع‌کننده و منطقی به نظر می‌رسد.

در حالی که بعضی از قوانین و سنت‌های با قدمت چند هزار ساله بسیار ظالمانه و برخلاف عقلانیت بودند مثل برده‌داری یا برخی باورهای مذهبی ظالمانه مثل حکم قصاص یا سنگسار. بعضی با استناد به مغالطه توسل به سنت اینگونه کارها را مجاز می‌دانند.

همواره در طول تاریخ مردم جاهل در برابر روشنفکران و مصلحان اجتماعی مقاومت می‌کردند و این کار را با استناد به اینکه آبا و اجداد آنها در طول تاریخ اینگونه زندگی کرده‌اند آن را دلیل درستی کارشان می‌دانستند.

- آیا اگر رستورانی قدمت هشتاد ساله دارد دلیلی بر این است که «بهترین» رستوران موجود است؟
- کارخانجات و شرکت‌ها دائما در تبلیغات خود به پیشینه و سابقه خود اشاره می‌کنند.
- بسیاری از افرادی که در زمینه طب سنتی فعالیت دارند، به این مغالطه متوسل می‌شوند.
- برخی آداب و رسوم ممکن است غیر عقلانی و در تعارض با اصول علمی باشند.

البته توسل به قدمت یک سنت یا باور لزوماً دلیلی بر نادرستی و مغالطه‌آمیز بودن آن نیست، اما اصرار به درستی آن بدون در نظر گرفتن شواهد و برهان‌ها میتواند مغالطه‌آمیز باشد. اگر کسی دلیلی بر علیه آن اقامه کرد باید به دلیل جواب داد نه اینکه با مغالطه توسل به سنت از دلیل آوردن طفره رفت.

چه بسیارند باورها و توصیه های حکیمانه ای که میراث گذشتگان هستند و با گذشت قرن‌ها همچنان منطقی و موثر هستند.

مغالطه استناد به مرجعیت کاذب (Appeal to Inappropriate Authority)

مغالطه استناد به مرجعیت کاذب زمانی اتفاق می‌افتد که فردی با استناد نادرست به خبرگی و بدون در نظر گرفتن ملاک‌های ارجاع درست، از مدعایی پشتیبانی کند. بی‌شک ما قادر به کسب تخصص و خبرگی در تمامی زمینه‌ها نیستیم و به همین دلیل ناچار از مراجعه به متخصصان و خبرگان حوزه‌های متعدد برای رسیدن به یک دیدگاه و نظر معتبر و مورد اطمینان در خصوص موضوعات مختلف هستیم. اما مبنا قرار دادن نظرات خبرگان و متخصصان هم ملاک‌هایی دارد که همواره بایستی مدنظر قرار گیرند. از جمله این ملاک‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- فرد متخصصی که به او ارجاع می‌دهیم باید مشخص باشد.
- خبره موردنظر باید خوش‌نام باشد.
- فعالیت و تخصص فرد در زمینه مورد نظر باشد.
- موضوع مورد بحث محل اجماع باشد و در خصوص آن اختلاف‌نظر در میان خبرگان مختلف وجود نداشته باشد.

مغالطه استناد به مرجعیت کاذب (Fallacious Appeal to Authority)

این مغالطه در متون و منابع مختلف، با عناوین متعددی مورد اشاره قرار می‌گیرد که از جمله آنها عبارت‌اند از:

- استناد مغالطه‌آمیز به خبرگی
- توسل غیرمجاز به مرجع
- حقانیت به واسطه مرجعیت

افراد به طرق گوناگونی گرفتار این مغالطه می‌شوند که در هر کدام از آنها ممکن است یک یا چند ملاک از ملاک‌های گفته شده مورد توجه قرار نگرفته باشد. مواردی که در ادامه می‌آیند، نمونه‌هایی از ارتکاب به این نوع مغالطه هستند:

- محققان به این مسئله اذعان دارند که کشیدن سیگار تأثیر چندان زیادی بر بروز بیماری‌های قلبی ندارد (نامشخص بودن فرد متخصص)
- تبلیغ یک محصول غذایی توسط یک ورزشکار معروف (تخصص نداشتن فرد در زمینه مورد نظر)

برای گرفتار نشدن در دام این مغالطه بهتر است همیشه حواسمان به این مسئله باشد که آیا در زمینه مورد ادعا اجماعی وجود دارد یا نه و بعد هم اینکه کارشناسان و متخصصان واقعی آن زمینه چه کسانی هستند و نظر غالب آنها در خصوص آن موضوع چیست.

مغالطه هر بچه مدرسه ای می داند! (every schoolboy knows)

در این مغالطه سعی می کنند موضوع را کاملاً بدیهی و پیش پا افتاده تلقی کنند تا اگر کسی خواست مخالفت کند یا دلیل بخواهد در موضع ضعف قرار بگیرد. هیچکس نمی خواهد با مخالفت با موضوعی، اعتراف کند مسئله ای که کودکان به راحتی متوجه میشوند را درک نمی کند.

در اینجا شخص تلاش میکند بجای دلیل و برهان، بداهت و وضوح مسئله را مفروض بگیرد. بجای اینکه طرف مقابل را با بحث منطقی قانع کند، در او ایجاد ترس و شرمندگی میکند که موضوعی که بچه مدرسه ای ها می دانند را درک نمی کند. در این مغالطه، بگونه ای عمل میشود که هر کس مخالف است احمق است.

- هر کودک ده ساله ای می داند که غربی ها روسیه را تحریک کردند تا به اوکراین حمله کند و پوتین چاره ای جز این کار نداشت.

هرگونه کپی برداری از مطالب این وب سایت بدون ذکر منبع پیگرد قانونی دارد.